

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

روایات در این بحث که آیا حج افضل است یا صلاة، بیان شد. از سه جهت تعارض در این روایات وجود دارد؛

جهت اول: این است که در بعضی از روایات فرموده‌اند حج از همه روایات افضل است مگر نماز، اما در برخی از روایات دیگر حج را حتی افضل از صلاة قرار داده‌اند.

جهت دوم: این است که؛ از بعضی روایات استفاده می‌شود که حج بر زکات مقدم است، اما از بعضی روایات دیگر استفاده می‌شود زکات بر حج مقدم است.

جهت سوم: در بعضی دیگر از روایات آمده است که صوم هم بر حج مقدم است.

بنابراین، باید این سه جهت را مورد بررسی قرار دهیم؛ آیا حج افضل است یا صلاة؟ آیا حج افضل است یا زکات؟ آیا حج افضل است یا صیام؟

دیدگاه شیخ صدوق (قدس سره) در جمع میان روایات

مرحوم صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، پس از ذکر این دو روایت (یک روایت که حج حتی از صلاة افضل است و روایت دیگر که «صلاة مفروضة خیر من عشرين حجة»)، یک جمعی را ذکر کرده و می‌فرماید: «هَذَا الْحَدِيثَانِ مُتَّفَقَانِ غَيْرُ مُخْتَلَفَيْنِ»^[1]، این دو حدیث متفق‌اند و اختلافی بین‌شان نیست، «وَذَلِكَ أَنَّ الْحَجَّ فِيهِ صَلَاةٌ وَ الصَّلَاةُ لَيْسَ فِيهَا حَجٌّ»؛ آن روایتی که می‌گوید حج از صلاة افضل است، مراد حجتی است که در آن نماز هست و چون نماز هم دارد و نماز به علاوه یک اضافه‌ای است، چنین حجتی از نماز افضل می‌شود. آن روایتی که می‌گوید صلاة از حج افضل است، مراد حجّ با قطع نظر از نماز است یعنی حج بدون نماز،

«فَالْحَجُّ بِهَذَا الْوَجْهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ»؛ بنابراین، جمع بین این دو دسته آن است که چون در حجّ نماز وجود دارد، افضل از صلاة است یعنی کسی که حج انجام می‌دهد؛ هم حج است و هم نماز، پس این افضل از نماز خالی است، «وَ صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ أَفْضَلُ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً مُتَجَرِّدَةً عَنِ الصَّلَاةِ»؛ اما یک نماز واجب بالاتر است از 20 حجّی که در آن نماز نیست (یعنی حجّ با قطع نظر از نمازش یعنی سایر اعمال حجّ).

دیدگاه مرحوم فیض در جمع میان روایات و ارزیابی آن

مرحوم فیض در کتاب وافى می‌فرماید: «لا يخفى أن التعليل المذكور في الحديث ينافي هذا التأويل»؛ این تعلیل مرحوم صدوق که در حدیث آمده (که حج افضل از صلاة و صیام است به این دلیل که «لأنَّ الْمُصَلِّيَّ إِنَّمَا يَسْتَعْلِفُ عَنْ أَهْلِهِ سَاعَةً وَأَنَّ الصَّائِمَ يَسْتَعْلِفُ عَنْ أَهْلِهِ بِبَاضِ يَوْمٍ وَأَنَّ الْحَاجَّ يُشْخِصُ بَدَنَهُ وَ يُضْجِي نَفْسَهُ»^[2]) با این تأویلی که شیخ صدوق (قدس سره) بیان کرده، منافات دارد. در ادامه مرحوم فیض می‌گوید: «فالأولى أن يقال كل منهما أفضل من الآخر بوجه غير الوجه الذي الآخر أفضل منه به»، نظر فیض این می‌شود که بگوئیم این افضلیت، افضلیت نسبی است؛ صلاة از یک جهت افضل است، حج از جهت زمانی افضل است چون زمان بیشتری را انسان مشغول عبادت است.^[3]

به نظر ما، اشکال مرحوم فیض به شیخ صدوق (قدس سره) وارد نیست؛ زیرا شیخ صدوق (قدس سره) دقیقاً همان مطلبی را در وجه جمع ذکر کرده که در روایت کاهلی نیز وارد شده است: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ إِلَّا الصَّلَاةُ - وَ فِي الْحَجِّ هَاهُنَا صَلَاةٌ - وَ لَيْسَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَكُمْ حَجٌّ»؛ یعنی در بعضی از روایات آمده که ما حجی را می‌گوئیم افضل از صلاة است، که در آن نماز وجود دارد. بنابراین، اگر هم گفتیم حج افضل از صلاة است، به دلیل وجود نماز در آن است، اما در صلاة حج وجود ندارد.

دیدگاه صاحب حدائق (قدس سره) در جمع روایات

بیان شد که هفت راه جمع میان این روایات ذکر شده که صاحب حدائق (قدس سره) به نقل سه راه جمع کفایت می‌کند؛ زیرا ایشان در مورد این سه راه می‌گوید این سه راه اظهر این وجوه است.

راه نخست: می‌فرماید «ان تحمل الفريضة على اليومية لأنها الفرد المتبادر»؛ مراد از «صلاة فريضة»، صلوات یومیه است و مراد از اینکه می‌گوید حج بر نماز افضل است، نماز غیر یومیه است. بعد می‌گوید این قاعده «افضل الاعمال احمزها»؛ یا تخصیص بزینم به صلوات یومیه به این بیان که؛ در نماز یومیه این حدیث جاری نمی‌شود و در غیر نماز یومیه، قاعده احمزیت جاری می‌شود. یا اینکه بگوئیم مراد از «افضل الاعمال احمزها»، احمز هر عملی در نوع خودش (مصادیق آن عمل) را نگاه کنیم. مثلاً خود روزه در نوع خودش؛ روزه در تابستان، روزه در زمستان، احمزش افضل است نه اینکه روزه را با حج مقایسه کنیم.^[4]

اشکال این احتمال (که مراد از صلاة، صلوات یومیه است) آنکه؛ در تمام این روایات، وقتی صلاة را کنار صیام یا زکات قرار می‌دهد، به ویژه این تعبیری که می‌گوید در صلاة، حج نیست، این اختصاص به یومیه و غیر یومیه نداشته و شامل همه اقسام صلاة (یومیه و غیر یومیه) می‌شود و هیچ شاهی بر اختصاص به صلوات یومیه وجود ندارد.

راه دوم: «ان يراد بالفريضة اليومية»؛ مرا از صلاة مفروضة، صلوات یومیه است، «و يراد بالحج المتطوع به»؛ و مراد از حج، حج استحبابی است نه حجة الاسلام (یعنی در این روایتی که آمده: «صلاة مفروضة خير من عشرين حجة»، مراد حجة الاسلام واجب نیست، بلکه مراد حج استحبابی است). قرینه این است که در حج واجب تعدد نداریم، یک نفر در عمرش دو حجة الاسلام واجب نمی‌تواند انجام بدهد، ولی 20 حج مستحبی می‌تواند انجام بدهد.

در ادامه به سؤالی جواب می‌دهند که در همین حج استحبابی نیز نماز وجود دارد؛ می‌گویند این نماز، دیگر نماز واجب و یومیه نیست و خداوند ابتداءً آن را بر مکلف واجب نکرد، بلکه مکلف وقتی که حج مستحبی را شروع کرد، این نماز طواف هم برای او واجب می‌شود.

نکته قابل توجه آن است که برخی از اوقات، باید دید شأن نزول یک حدیث کجاست و در چه شرایطی صادر شده است؟ صاحب حدائق (قدس سرّه) طبق جمع دوم می‌گوید امام (علیه السلام) به مردمی که به حج مستحبی می‌رفتند و در راه حج مستحبی، نماز واجب‌شان را ترک و یا تضييع می‌کردند، فرمود حواس‌تان کجاست؟ یک نماز واجب و یومیه، از 20 حج مستحبی ثوابش بیشتر است. بنابراین، امام (علیه السلام) در مقام بیان این جهت بوده و نمی‌خواهد بگوید نماز از 20 حج واجب بالاتر است.

به بیان دیگر؛ معمولاً برای کاروان‌ها اتفاق می‌افتد گاهی اوقات شب که وارد مسجد الحرام می‌شوند و اعمال انجام می‌دهند خسته می‌شوند و برای نماز صبح خوابشان می‌برد و نماز صبح‌شان قضا می‌شود. اگر حج مستحبی باشد امام (علیه السلام) می‌فرماید یک نماز واجب و مفروض، ثوابش از 20 تا از این حج‌های مستحبی بالاتر است.^[5]

نکته‌ای که دیروز اشاره کردیم آن است که درست است حجة الاسلام تعدد ندارد، اما نسبت به یک شخص واحد تعدد ندارد، چه اشکال دارد امام (علیه السلام) در مقام مقایسه بفرماید یک نماز واجب بالاتر از 20 تا حجة الاسلامی است که 20 نفر انجام می‌دهند؟! بنابراین، در اینجا نمی‌توانیم این حج را بر حج استحبابی حمل کنیم و قرینه روشنی بر آن نداریم.

راه سوم: می‌فرماید: «يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مُخْتَلَفًا بِإِخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ وَ مُقْتَضِيَاتِ الْحَالِ فِي الْأَشْخَاصِ»؛ در بعضی از جاها برای برخی افراد نماز افضل است و در برخی شرایط دیگر، برای بعضی‌ها حج افضل است یعنی به اختلاف احوال و اشخاص و مقتضیات مختلف است. صاحب حدائق (قدس سرّه) می‌گوید یک‌بار از پیامبر (صلي الله عليه وآله) سؤال شده: «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا»؛ افضل اعمال چیست؟ فرمود نماز اول وقت، دوباره سؤال شده فرمود: «بِرِّ الْوَالِدَيْنِ»، باز مرتبه سوم سؤال شده فرمود: «حَجٌّ مَبْرُورٌ».

صاحب حدائق (قدس سرّه) می‌گوید: «فَخَصَّ كُلَّ سَائِلٍ بِمَا يَلِيقُ بِحَالِهِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَيَقَالُ إِنَّ السَّائِلَ الْأَوَّلَ (يعني آن کسی که پیامبر (صلي الله عليه وآله) می‌فرماید نماز اول وقت) كان عاجزاً عن الحج و لم يكن له والدان»؛ هم عاجز بوده و هم پدر و مادر نداشته، آن کسی که فرموده: «بِرِّ الْوَالِدَيْنِ»، پدر و مادری داشته که محتاج به کمک او بودند.^[6]

اشکال راه سوم آن است که این روایتی که صاحب حدائق (قدس سرّه) به این صورت نقل کرده (که «مرّةً أخرى» سؤال شده باشد)، پیدا نکردم، اتفاقاً این سه مورد در یک روایت از پیامبر (صلي الله عليه وآله) نقل شده است یعنی از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) پرسیده شده: «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟» فرمودند: «الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ حَجٌّ مَبْرُورٌ». حال معلوم نیست صاحب حدائق (قدس سرّه) این را از کجا نقل می‌کند؟ منابع روایی را که دیدم، در هیچ‌کدام نیافتم که سه بار رسول خدا (صلي الله عليه وآله) مورد سؤال قرار گرفته باشند تا بیائیم حمل بر این راه کنیم.

خلاصه آنکه؛ این سه راه جمع میان روایات بود که صاحب حدائق (قدس سرّه) ذکر کرده و ظاهر عبارت حدائق این است که پذیرفته است.

دیدگاه مرحوم مجلسی دوم در مرآة العقول

مرحوم مجلسی دوم در مرآة العقول هفت راه در جمع ذکر کرده که برخی از این راه‌ها را صاحب حدائق (قدس سرّه) بیان کرد.

راه اول: (که در کلام صاحب حدائق (قدس سرّه) نیست): «أَنْ يَكُونَ اللَّهُ تَعَالَى قَرَّرَ بِإِزَاءِ كُلِّ عَمَلٍ ثَوَابًا»؛ هر عملی یک ثواب ذاتی دارد، «ثم يتفضل بما يشاء»؛ بعد خدا از آن لطف خودش و خزینه فضل خودش، هر مقدار بخواهد تفضل می‌کند یعنی ما نماز و

حج را به حسب ذات خودشان نگاه کنیم، حج افضل از نماز است چون احمز است، اما کسی که نماز را آورد، خدا زائد بر آن حقیقت تفضل می‌کند و آن روایتی که می‌گوید: «صلاة مفروضة خيرٌ من عشرين حجة»، از باب تفضل زائد بر آن ثواب است.

این راه هم بسیار خلاف ظاهر است؛ زیرا معنا ندارد یک ثوابی ذاتش دارد و یک تفضل زائد دارد و هیچ قرینه‌ای بر این وجود ندارد.

راه دوم: «الحج في ملة غير تلك الملة»؛ یعنی روایتی که می‌گوید: «صلاة مفروضة» یعنی صلاة بر این امت بر 20 تا حجی که امم گذشته انجام دادند افضل است.^[17] این راه هم یک جمع صد در صد تبرّعی است. دیگر راهها را خودتان مراجعه کنید.

دیدگاه برگزیده در جمع روایات

در اینجا باید به این نکته دقت داشت که وقتی روایات افضلیّت؛ چه در حج، چه در صلاة و سایر اعمال، را می‌بینیم، درمی‌یابیم گاهی افضلیّت؛ (1) از حیث ترتب الاثر است، (2) گاهی افضلیّت از حیث ذات است، (3) گاهی افضلیّت از حیث ثواب است، (4) گاهی افضلیّت از حیث طولانی و عدم طولانی بودن زمان است، (4) گاهی افضلیّت از حیث اعطاء الهی است (اعطای نعمت‌ها) که به روایاتش اشاره می‌کنم.

در اینجا اصلاً نباید در ذهن شما خطور کند که امام (علیه السلام) در «عشرين حجة»، می‌خواهد بین واجب و مستحب مقایسه کند، اصلاً بین واجب و مستحب نباید «عشرين» گفت و اینها قابل مقایسه نیستند. در اینجا به برخی از روایات افضلیّت اشاره اجمالی می‌کنم تا یک فضای ذهنی دیگری پیدا کنید و بعد این مسئله حج و صلاة هم حل می‌شود.

افضل بودن در روایات

روایت اول: (که در کتاب کافی است) راوی می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «أَخْبَرَنِي أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ مَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا بِهِ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَعْلَى الْأَعْمَالِ دَرَجَةً وَ أَشْرَفُهَا مَنْزِلَةً وَ أَسْنَاهَا حَقّاً»^[18]. در این روایت، امام (علیه السلام) افضل اعمال را ایمان به خداوند قرار داده است.

روایت دوم: باز در روایت دیگر امام (علیه السلام) می‌فرماید: بعد از معرفت الله و معرفت الرسول، هیچ چیزی افضل از بُغْض دنیا نیست.^[19] در اینجا افضل الاعمال را بعد از اینها در مرتبه‌ی سوم بغض الدنيا قرار داده است.

روایت سوم: امام سجاد (علیه السلام) درباره فضل قرآن می‌فرماید: «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الْحَالُ الْمُرْتَحِلُ»، سائل می‌پرسد: حال مرتحل چیست؟ فرمود: «فَتُحُّ الْقُرْآنِ وَ خَتْمُهُ»؛ کسی که قرآن را باز کند و ختم کند، «كُلَّمَا جَاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ»؛ وقتی شروع کرد، تمام کند (مراد در یک جلسه نیست، دوباره به همان اولش برنگردد بخواند). امام (علیه السلام) در ادامه فرمود: پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: «مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغُرَ عَظِيمًا وَ عَظُمَ صَغِيرًا»، یعنی در مقام اعطای نعم الهی، افضل نعمت‌ها، قرآن است.^[10]

روایت چهارم: در بعضی روایات کتاب وسائل الشیعه باب «وجوب العبادات الخمس»، امام صادق (علیه السلام) در جواب این سؤال که «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ»، فرمود بعد از معرفت خدا، هیچ چیزی معادل نماز نیست. بعد از معرفت و نماز، هیچ چیز معادل زکات نیست. بعد از معرفت خدا و نماز و زکات، هیچ چیزی معادل صوم نیست و بعد از اینها هم حج است.^[11] در اینجا صوم

بر حج مقدم شده است.

روایت پنجم: از پیامبر (صلي الله عليه وآله) سؤال شد: «أى الأعمال أفضل؟»، حضرت فرمود: «إطعام الطعام».^[12]

خلاصه آنکه؛ در اینجا، پنج روایت وجود دارد؛ یک روایت می‌گوید افضل الاعمال، «الصلاة لوقتها» است، یک روایت می‌گوید «معرفة الله» است، این روایت می‌گوید «بغض الدنيا» است. روایت دیگر می‌گوید «إطعام الطعام» است، یک روایت می‌گوید «إعطاء القرآن» است.

روایت ششم: در خبر معراج هست که خدای تبارک و تعالی به پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: «لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلُ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ»^[13]، در این روایت توکل افضل شد.

روایت هفتم: در روایت دیگر، از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) پرسیدند: «أى الأعمال أفضل؟»، حضرت فرمود نماز؛ چون ناهی از فحشا و منکر است و بعد از نماز فرمود زکات، پاک کننده‌ی ذنوب است. بعد فرمود حج، کفاره است.^[14]

در فرق بین «تمحيص الذنوب» و «كفارة الذنوب»، باید گفت که؛ هم زکات در نفی ذنوب دخالت و اثر دارد و هم حج، اما زکات ریشه ذنب را از بین می‌برد یعنی ممکن است یک کاری هم می‌کند که این شخص وقتی زکات می‌دهد و این مال زکوی را می‌خورد، دیگر دنبال گناه هم نمی‌رود و یک عنوان دفع الذنب را دارد، اما حج کفاره است یعنی اگر شخص گناهی کرده، عقابش را برمی‌دارد. بنابراین، افضلیت در این روایت، من حیث الاثر است.

روایت هشتم: در روایت دیگری، موسی بن عمران (علیه السلام) به خدای تبارک و تعالی عرض کرد افضل الاعمال چیست؟ خدا فرمود: «حُبُّ الْأَطْفَالِ»؛ اینکه اولادش را دوست داشته باشد، «فَإِنْ فِطَرْتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي»^[15]. گاهی اوقات در برخی از رسانه‌ها، حبّ اطفال را این‌گونه بیان نمی‌کنند که چون فطرت پاک دارند. اینکه فلاسفه‌ی ما در کتاب‌هایشان، نسبت به اطفال یک توجه خاصی می‌کنند، دیگران هم معنای خرابی برای آن می‌کنند، نمی‌فهمند که اینها روی فطرت پاک اینهاست. در روایات دیگر، هر کدام افضل را چیزی قرار داده؛ توحید، التسلیم، حسن الخلق.

جمع‌بندی و نتیجه بحث

راه جمع میان این روایات آن است که بگوئیم؛ (1) افضل در روایات، افضل مطلق نیست، (2) افضل در همه جا، از جهت ثواب هم نیست. به همین دلیل، روایتی که می‌گوید: «افضل الاعمال احملها» افضل ثوابی را بیان می‌کند. ممکن است یک فعلی ثوابش از یک فعل دیگری بیشتر باشد، ولی آن فعل ذاتاً از این فعل افضل باشد. ممکن است یک واجبی مانند جواب سلام (که واجب است)، ذاتاً از یک مستحب و مستحباتی افضل است (زیرا «هذا واجب»)، اما یک مستحباتی را شما انجام بدهید که ثوابش از این جواب سلام بالاتر باشد.

ما نباید افضلیت من حیث الثواب را خلط کنیم همان‌گونه که صاحب جواهر (قدس سرّه) مرتکب شده است. اصلاً نباید افضل الاعمال احملها را اینجا بیاوریم، آن مربوط به مسئله‌ی ثواب است و افضلیتی که در باب حج و صلاة آمده، مربوط به ذات این عمل است و کاری به ثواب ندارد.

خلاصه آنکه؛ این روایات در مقام افضلیت مطلق نیست، افضلیت مطلق یعنی ذاتاً، ثواباً، اثرأ به این معنا که بگوئیم نماز، ذاتاً ثواباً، اثرأ، زماناً از همه‌ی عبادات افضل است. ما چنین روایتی نداریم و جمع بین این روایات این است که به همین عناوین

حمل كنیم و بگوئیم در بعضی به حسب ذات و در بعضی به حسب زمان است، به حسب زمان حج افضل می شود و به حسب ذات، صلاة مفروضة افضل می شود و به حسب اثر شاید حج افضل باشد! آثاری که حج برای ما دارد (که هر جزء حج، «خرج من الذنوب» است؛ وقتی شخصی محرم می شود یا طواف می کند) «خرج من الذنوب» است، اما در نماز این گونه نیست که با گفتن تکبیرة الاحرام، بگوئیم «خرج من جميع ذنوبه»، در هیچ روایتی این را ندیدم یعنی ما ممکن است بگوئیم از حيث اثر که خروج از ذنوب است، حج افضل است.

بنابراین، باید تفکیک کنیم افضلیت من حيث الاثر، من حيث الذات، من حيث الثواب، من حيث الزمان را. اگر این کار را کردیم، دیگر مسئله روشن می شود. این افضلیت من حيث الاعطاء، آنجایی که می گوید مسئله قرآن افضل است؛ چون در میان نعم، هیچ نعمتی بالاتر از اعطاء القرآن به انسان نیست، این می شود افضل در میان همه نعم. یا اینکه می گوئید روزه فلان روز، افضل از 60 سال است، همه اینها را با همین بیان، ان شاء الله حل کنید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ «قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَانِ الْحَدِيثَانِ مُتَّفَقَانِ غَيْرُ مُخْتَلَفَيْنِ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْحَجَّ فِيهِ صَلَاةٌ وَ الصَّلَاةُ لَيْسَ فِيهَا حَجٌّ فَالْحَجُّ بِهَذَا الْوَجْهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ أَفْضَلُ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً مُتَجَرِّدَةً عَنِ الصَّلَاةِ.» من لا يحضره الفقيه، ج2، ص: 222-221.

[2] □ «وَقَدْ رُوِيَ أَنَّ الْحَجَّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَّامِ لِأَنَّ الْمُصَلِّيَ إِنَّمَا يَسْتَعْمِلُ عَنْ أَهْلِهِ سَاعَةً وَ أَنَّ الصَّائِمَ يَسْتَعْمِلُ عَنْ أَهْلِهِ بَيَاضَ يَوْمٍ وَ أَنَّ الْحَاجَّ يُشْخِصُ بَدَنَهُ وَ يُضْحِي نَفْسَهُ وَ يُنْفِقُ مَالَهُ وَ يُطِيلُ الْغَيْبَةَ عَنْ أَهْلِهِ لَا فِي مَالٍ يَرْجُوهُ وَ لَا إِلَى تِجَارَةٍ.» من لا يحضره الفقيه، ج2، ص: 221، ح2236؛ عنه وسائل الشيعة، ج11، ص: 112، ح14382-5.

[3] □ «بيان: قال في الفقيه هذان الحديثان متفقان غير مختلفين و ذلك أن الحج فيه صلاة و الصلاة ليس فيها حج فالحج بهذا الوجه أفضل من الصلاة و صلاة فريضة أفضل من عشرين حجة مجردة عن الصلاة. أقول لا يخفى أن التعليل المذكور في الحديث ينافي هذا التأويل فالأولى أن يقال كل منهما أفضل من الآخر بوجه غير الوجه الذي الآخر أفضل منه به و إن كان الفضل المطلق للصلاة كما مضى تحقيقه في كتاب الصلاة و أما ما قاله في أفضلية الحج فهو يرجع إلى أفضلية الصلاة و هو بعينه الذي مضى في خبر الكاهلي عن الصادق (عليه السلام) «الوافي، ج12، ص241، ح11818-74.

[4] □ «و قد أجب عن ذلك بوجوه أظهرها ثلاثة (أحدها) ان تحمل الفريضة على اليومية لأنها الفرد المتبادر كما تقدم في الحديث الأول و يحمل حديث أفضلية الحج على الصلاة على غير اليومية و حديث «أفضل الأعمال أحزمها» على ما عدا الصلاة اليومية أو على ان المراد أفضل كل نوع من الأعمال احزمه اي أحمز ذلك النوع، مثلاً- الوضوء في الحر و البرد و الحج ماشيا و راكبا و الصوم و الصلاة في الصيف و الشتاء و نحو ذلك.» الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج6، ص6.

[5] □ «تانيها: ان يراد بالفريضة اليومية كما تقدم و ان يراد بالحج المتطوع به دون حجة الإسلام إذ لا تعدد فيها حتى يوزن متعددها بشيء و الصلاة التي في الحج المتطوع به ليست بفريضة حيث لم يفرضها الله تعالى عليه ابتداء و انما جعلها المكلف على نفسه بإحرامه للحج فصارت شرطاً لصحة حجه، و على هذا فيكون الغرض من الحديث الحث على المحافظة على الصلوات المفروضة في طريق الحج بالإتيان بها بشروطها و حدودها و حفظ مواقيتها، فان كثيراً من الحاج يضيعون فرائضهم اليومية في طريقهم الى الحج اما بتفويت أوقاتها أو بأدائها على المركب أو في المحمل أو بالتيمم أو مع عدم الطهارة في الثوب أو البدن أو نحو ذلك تهاونا بها و استخفافاً بشأنها، و الثواب انما يترتب للحاج على حجته المندوبة مع عدم الإخلال بشيء من صلواته اليومية و إلا فالصلاة المفروضة التامة في الجماعة بل في البيت أفضل من حجة يتطوع بها.» همان، ص6-7.

[6] □ «ثالثها: انه يحتمل ان يكون ذلك مختلفاً باختلاف الأحوال و مقتضيات الحال في الأشخاص كما روى انه (صلي الله عليه وآله) «سئل أي الأعمال أفضل؟ فقال الصلاة لأول وقتها». و سئل ايضاً مرة أخرى «أي الأعمال أفضل؟ فقال بر الوالدين». و سئل ايضاً «أي الأعمال أفضل؟ فقال حج مبرور». فخص كل سائل بما يليق بحاله من الأعمال، فيقال ان السائل

الأول كان عاجزا عن الحج و لم يكن له والدان فكان الأفضل بحسب حاله الصلاة و الثاني كان له والدان محتاجان فجعل الأفضل له برهما و هكذا الثالث.» همان، ص7.

[7] « الأول: أن يكون الله تعالى قرر بإزاء كل عمل ثوابا ثم يتفضل بما يشاء فيكون ما يتفضل للصلاة الواحدة أكثر مما قرر لأجل الحج مع قطع النظر عن التفضل بعشرين. الثاني: أن يكون المراد بالفريضة: الصلوات الخمس اليومية، و بالصلاة التي فضل عليها الحج غيرها بقرينة أن الأذان و الإقامة المشتملين على حي على خير العمل مختصان بها. فإن قيل: كيف الجمع بينه و بين الخبر المشهور، أن أفضل الأعمال أحمرها؟ قلنا: على تقدير صحته فالمراد منه أفضل كل نوع من العمل أحمر ذلك النوع. الثالث: أن المراد بالفريضة مطلق الفريضة و بالمفضل عليها النافلة. الرابع: أن يراد بالعشرين حجة: الحجة المندوبة. الخامس: أن المراد الحج في ملة غير تلك الملة، أي صلاة تلك الأمة أفضل من عشرين حجة من الأمم الماضية. السادس: أن المراد لو صرف زمان الحج و العمرة في الصلاة كانت أفضل منهما و هذا الوجه إنما يجري في الخبر الذي روي بأن خير أعمالكم الصلاة مع بعد فيه أيضا. السابع: أن يقال: أنه يختلف بحسب الأحوال و الأشخاص كما نقل أنه صلى الله عليه و آله سئل أي الأعمال أفضل؟ فقال: الصلاة لأول وقتها، و سئل أيضا: أي الأعمال أفضل؟ فقال: بر الوالدين، و سئل: أي الأعمال أفضل؟ فقال: حج مبرور فيختص بما يليق السائل من الأعمال، فيكون لذلك السائل والدان محتاجان إلى بره، و المجاب بالصلاة يكون عاجزا من الحج و هكذا، فإن أورد على بعض الوجوه أن الحج أيضا مشتمل على الصلاة؛ أجب بأن المراد: الحج مع قطع النظر عن الصلاة، و إن أجب بأن الحج بدون الصلاة باطل فلا فضل لهذا الحج؛ يجاب: بأن المراد الحج مع الصلاة إذا أسقط منه ثواب الصلاة و لم يلاحظ معه، و الجواب على بعض الوجوه المتقدمة ظاهر.» مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام)، ج15، ص8-10.

[8] «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو الزُّبَيْرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَيُّهَا الْعَالِمُ أَخْبِرْنِي أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ مَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بِهِ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَعْلَى الْأَعْمَالِ دَرَجَةً وَ أَشْرَفُهَا مَنْزِلَةً وَ أَسْنَاهَا حَظًّا...» الكافي (ط - الإسلامية)، ج2، ص: 34-33، ح1.

[9] «عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ بْنِ شَهَابٍ قَالَ: سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ص أَفْضَلَ مِنْ بَعْضِ الدُّنْيَا...» الكافي (ط - الإسلامية)، ج2، ص: 130، ح11؛ عنه وسائل الشيعة، ج16، ص: 8، ح20822-2.

[10] «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الْحَالُ الْمُرْتَجِلُ قُلْتُ وَمَا الْحَالُ الْمُرْتَجِلُ قَالَ فَتَحَ الْقُرْآنَ وَ خَتَمَهُ كُلَّمَا جَاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَّرَ عَظِيمًا وَ عَظَّمَ صَغِيرًا...» الكافي (ط - الإسلامية)، ج2، ص: 605؛ عنه وسائل الشيعة، ج6، ص: 186، ح2-7688.

[11] «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رُزَيْقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ فَقَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ وَ لَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ الصَّلَاةُ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ...» أمالي الطوسي 2-305؛ عنه وسائل الشيعة، ج1، ص: 27، ح34.

[12] «وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْمُنَكْدِرِ أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ - فَقَالَ إِيظَامُ الطَّعَامِ وَ إِيظَابُ الْكَلَامِ...» المحاسن 387-5؛ عنه وسائل الشيعة، ج24، ص: 289، ح30569-9.

[13] «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فِي خَبَرِ الْمِعْرَاجِ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (يَا أَحْمَدُ) لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَ الرِّضَى بِمَا قَسَمْتُ.» إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج1، ص: 199، باب54؛ عنه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج11، ص: 220، ح12796-18.

[14] «جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الْقُمِّيُّ فِي كِتَابِ الْغَايَاتِ، عَنِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) أَنَّهُ قَالَ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالُوا الصَّلَاةُ فَقَالَ إِنَّ

الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ مَا هِيَ بِالصَّلَاةِ قَالُوا الزَّكَاةُ قَالَ إِنَّ الزَّكَاةَ تَمْحِصُ وَ مَا هِيَ بِالزَّكَاةِ قَالُوا الْحَجُّ قَالَ إِنَّ الْحَجَّ كَفَّارَةٌ وَ مَا هُوَ بِالْحَجِّ قَالُوا الْجِهَادُ قَالَ إِنَّ الْجِهَادَ جَنَّةٌ وَ مَا هُوَ بِالْجِهَادِ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ...» مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج12، ص221، ح13934-12.

[15] □ «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ يَعْقُوبَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُسَاوِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام): يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ فَقَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنْ فِطَرْتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنْ أُمَّتَهُمْ أَدْخَلْتَهُمْ بِرَحْمَتِي جَنَّتِي.» المحاسن ص 293 ح 453، و عنه في البحار ج 104 ص 105 ح 103 و مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج15، ص: 114، ح17695.